

۲۱ - ۳۱

۹۳۱/۸







11





اَللّٰهُمَّ اَوْحِ

نخوان آنچه وحي نرسد باشد

اَللّٰهُمَّ اَوْحِ

دوبتق از نامه ط

اَللّٰهُمَّ اَوْحِ

نپای دال مولا

اَللّٰهُمَّ اَوْحِ

نماز که

اَللّٰهُمَّ اَوْحِ

مازی دارد از کارها و نرسد



وَالْمَلِكُ قَوْلًا كَرِيمًا

شناخته نشده وهر آینه باید کرد در سدیقه

اللَّهُ أَكْبَرُ وَاللَّهُ

حلائیب بزرگ ترست و خدا بزرگ

أَعْلَمُ مَا تَصِفُونَ

می داند آنچه می کنید

وَلَا تَجَادِلُوا أَهْلَهُ

و نه بیکار کنید با کسهای

الْكِتَابِ الْكَمَالِ

نامه مکر آنکه



هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ

ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا

أَمَّا بِالَّذِي أُنْزِلَ إِلَيْنَا

وَأُنْزِلَ إِلَيْكُمْ وَأَلْهَبْنَا

وَاللَّوْكُمْ وَاحِدًا نَحْنُ لَهُ

مُسْلِمُونَ وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ

إِلَيْكَ الْكِتَابَ فَلَا تَكُنْ



آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَوْمَئِذٍ

بلادیم شان لافامه امامه بی کر و بیالند

بِهِ قَوْمٌ هَؤُلَاءِ

بلد وازیت کوه

مِنْ يَوْمٍ بِهِ قَوْمًا

بِتَحْدِ بَايَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ

آنست که کوه بدو مینه  
مشر شولند یا بنهوا و کس کافران

وَمَا كُنْتَ تَتْلُو مِنْ

و نه بی خواندی از

تِلْكَ مِنْ كِتَابِ

ایک بی از نامه

وَلَا تَخْطُوهُ بِمِيزَانِ الْإِسْلَامِ

تخلیل

می بنستی اورا ایست را استور انگاه را می



الْمُنْطَلَقَاتِ بِلَهُو

مهموده کارات

آیاتِ بَيِّنَاتٍ فِي صِدْقِ

آیتها بیک است

الَّذِينَ أَفْتَوْا الْعَالَمَ

آنکس

وَمَا يَحْجُكُ بَيِّنَاتِهَا إِلَّا الظَّالِمُونَ

منکر شوند بآیتها مگر ستمکاران

وَقَالُوا لَوْلَا أُنْزِلَ عَلَيْهِ

وگفتند چرا نه فرستاده شد بر او

آيَاتٌ مِنْ رَبِّهِمْ


آیتها از خداوند بگوی هایت

إِلَّا بِآيَاتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا

آیتها

آیتها نزد خداست و هایت



اَنَا تَذَكَّرُ مَيْتٌ  اَوَّلَ مَا يَكْفُهُ

من بیم کننده پیدا امر اونه بسند بود  
اَنَا اَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ


هرآنکه فو فرستادیم ما بر تو نامه

يُنَالِ عَلَيْهِمْ اَنْ فِي

خواند میشود برایشان که در

تَرَكْ لِرَحْمَةٍ وَزَكْرِي

ات بخشایشی و نیک است

لِقَوْمٍ يَوْمَنُورٍ  قُلْ

مرکوبی که کورند بگو

سَمِعَ بِاللَّهِ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ

بسنده استند خدای میان من و میان شما

شَهِيدًا يَغْلُمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ

کواه می داند که در آسمان



وَالْأَرْضِ ط وَاللَّيْلِ

وزمین است و آنانی

أَمَّنُوا بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا

کرویدند بنا درست و کفر آوردند

بِاللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

نخدایه این گروه ایشان زیانکارانند

وَيَسْتَغْلِبُونَكَ بِالْعَذَابِ ط

وشتافتند بی خواهند ترا بشکنجه

وَلَوْ لَا أَجَلٌ مُّسَمًّى لَّجَاءَهُمُ

والله زمان نام برده هرینه آمدی

الْعَذَابُ وَلَيَأْتِيَنَّهُمْ بَشَاطَةُ

شکنجه و هرینه آیدشان ناگاه

وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ يَسْتَغْلِبُونَكَ

وایشان نه دانند شتافتند بی خواهند

از تو العذاب



بِالْعَذَابِ وَأَنْ جَهَنَّمَ

بشکنجند و هرینه دوزخ  
لَمَحِيْطَةٌ بِالْكَافِرِيْنَ

کرد در گرفته است بنا کرد و یگان  
يَوْمَ يَغْشَاهُمْ الْعَذَابُ

آن روز که فرو پوشد شانک شکنج  
مَنْ فَوْقَهُمْ وَمِنْ تَحْتِ

از زویشات و از زید  
أَنْجَلِهِمْ وَتَقُولُ ذَرُونَا

باجا و شات و گوید بخشید  
أَكُنْ تَعْمَلُونَ بَعْبَادِي

آنچه که می کردند ای بنده گان  
الَّذِيْنَ آمَنُوا إِنَّ أَنْجِي

انانک گوید تلک هرینه زمین است



وَأَسْعَةً قَنَائِي فَأَعْبَدُ

فراخ است پس مرا بدستگیر

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةٌ

هر انبی جشده

الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُجْعَوْنَ

مركبت باز گردانیده شود

وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

وآنانکه گرویدند و کردند

الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَهُمْ

آنها را جای دهم شایسته

مِنْ الْجَنَّةِ غُرَفًا تَجْرِي

از بهشت بارگاهها می رود

مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ

از زیر آب جویها آب می آید

فَوَعَدَ



فِيهَا نِعَمٌ أَجْرُ الْعَامِلِينَ

در آن نیکو مزدیست کارکنان

الَّتِي تَصْبِرُوا وَعَلَى

انامل شکیبائی کردند و نه

رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

برورد کارشان اعتقاد می کنند

وَكَأَيُّ مَن دَابَّةٍ

و چندان از صواب چنانچه

لَا تَحْمِلُ رِقْعًا

نه بردارد روزی خود از روزی میبرد اول

وَأَيُّكُمْ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

و هر شما را و و بی شمول داناست

وَلَيْتَ سَأَلْتَهُمْ مِّنْ خَلْقِ

وای پرسیدشان که آفرید



السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

وَرَمِين

آسمانها

وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ

وَمَا هَلَا

آفتاب

درام کرد

لِيَقُولَ اللَّهُ تَعَالَى

بِسْمِ اللَّهِ

هر این که گویند هر این که بخواب

تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ

فراخ کند

خدای

کرد اینده بی شنوند

الَّذِي فَخَّرَ بِمَنْ يَشَاءُ

خلو اهل

مرا ترا که

روز عید را

مَنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ

مرا و

و تنگ کند

ان شد کانت خود

إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

دانا است

مهر جینو

خدای

که



وَلَيْتَ سَأَلْتَهُمْ مَتَ

والو بهیج شانت لا که

تَنَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً

فرو رستای از آسمان آبی

فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ مَتَ

بس زنده کرد بد ز میت از

يَغْلِبُ مَوْتَهَا لَيَقُولَنَّ

بس مودن وی هست اینه کوینده اینه

اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ

خدا ایگو سباسب مرخلایه نه چه

أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ

بیشتر ایشان نه در یابند

وَمَا هِيَ الْحَيَوَةُ الدُّنْيَا

و نیست این زندگانی این جهان

ع



711  
إِلَّا لَهْوٌ وَلَعِبٌ وَآتٍ

مگر مشغول کنند و بازی و بلاستی

الدَّارِ الْآخِرَةِ لَهَا

مرايه آنگهان وى

الْحَيَوَاتِ لَوْ كَانُوا

جاودانست آوى

يَعْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ

دانند بسجوت بدنشيتان

فِي السَّمَاءِ رَعَوْا اللَّهَ

كشتي بخوانند خدایا

مَخْلُصِينَ لَهُ الدِّينَ

نی امیغ کنندگان از هروی کشتی را

فَلَمَّا نَجَّيْهُمْ إِلَى الْبَرِّ

بسجوت برهادر نشانرا بسوی خشکی خشکی



اِهْمُ بِشِرْكُوْتٍ لِيَكْفُرُوا

ایشات اینار کوبند تا کافرشوند

يَا أَيُّهَا هُمْ وَلِيْتَمَتَّعُوا

اینها همدانند و تا بر خوردار بجایند

فَفِي يَغْلَهُمْ وَتِ أَوَّلُ

اوله دانند

فَا إِنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا مِّنَّا

پس ما را کردیم حرمی بپس

يَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ

از مردم می شاورند

قَوْلِهِمْ إِنَّا الْبَاطِلُ

گویی که ما ایشات اوست باطل

وَمِنْهُمْ قَوْمٌ مِّنْهُ لَئِنْ شَاءَ اللَّهُ

و از آنهاست گروهی که اگر بخواهد خدا



يَكْفُرُونَ وَمَنْ أَظْلَمُ

همی کوفرد و کس است ظلمتر

مَمَّاتٍ افْتَرَى عَلَى

از آنکه گفت بر یافت

كَذِبَ بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُ

دروغی را حقیق پس استی چون آمد

الْيَسَّ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى

اوشت در در دوش جای باشد

لِلْكَافِرِينَ وَالَّذِينَ

بر ناکردن کار و آنانی

جَاهِدُوا فَمَا يَنْتَهِكُمْ عَنْهُمْ

کارزار کردند از شما هر آنکه نهانند

سَبَلًا وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُحْسِنِينَ

سیرت و خداوند است

باز در غلوی داشت

سیرت



سورة الروم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

اِنَّهُمْ غَلَبَتْ اِلَهُهُمْ فِيْ اَدْنٰى

الْاَرْضِ وَهُمْ مِنْ بَعْدِ

غَلَبِهِمْ سَبَّغُوْا فِيْ

بِمَنْجَعٍ سَنِيْتٍ لِلّٰهِ اَمْرٌ

مِنْ قَبْلُ وَمِنْ تَعْلٰى وَاَوْفٰى

سورة  
الروم  
بسم

بنام  
شکل  
مهریان  
همیشه  
غشایند  
یعنی این سوره علیه کنند  
رومیان  
مزدکتران  
زمین  
وایشان  
از  
پس  
غالب شدند  
زود بود که علیه کرده  
شوند  
جنت  
سالها  
موجودی است  
قوات  
از پیش  
و از پس  
و از روزگ



يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ نَضُرُّ

نبار و شوقن گروندگان بار می کشیم

اللَّهُ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ

خدا ای بار می کند از آن که خواهد و او است

الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ وَعَدَ اللَّهُ

بی همتا و همیشگی نسیان ناپذیر خدای

لَا يَخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ

نه خدای کند خدای نوبت خود را

وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ

و جز آنکه بیشتر مردمان

لَا يَعْلَمُونَ يَعْلَمُونَ

نه دانند می دانند

ظَاهِرًا مِنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا

بیلاهی از زندگانی این جهان



وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ

وایشان از  
الجهات ایات

غَافِلُونَ أَوَلَمْ تَتَفَكَّرُوا

بی افکاشان  
اولم تفکر کردید

فِي أَنْفُسِهِمْ مَا خَلَقَ اللَّهُ

تنها و شات  
آنج آفرید خدای

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

اشماتها  
وزمین

وَمَا يَتَّبِعُهُمَا إِلَّا بِالْخِفَاءِ وَأَجَلٍ

وآنج پیاز ایشان است  
براستی وزمانی

مَسْمُومٍ وَإِنْ كَثُرَ أَهْلُ النَّاسِ

نام برده  
وهربان بسیاری از مردمان

بِلِقَائِهِمْ لَكَ قُرُونٌ

بدین  
خداوند خود نالود ایات



أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ

اونه رفتند در زمین

فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كُنَّا

بسن بنظرند چگونه بود

عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ

سرانجام آنانکه از پیش ایشان

كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً

بودند سخت تر از ایشان قوت

وَأَنَّا نَالُوا الْأَرْضَ وَعَمَرْنَاهَا

شاید کردند و شورا زمین را آبادات کردند

أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرْنَاهَا وَجَاءَتْهُمْ

بیشتر از آنچه عمارت کردند و آمدندشان

رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَتْ

پیغامبران ایشان بآیات روشن نیست بود



اللَّهُ يَظَاهِمُهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا

خدايي تاستم کندشان و جزا بودند

أَنْفُسَهُمْ يَظَاهِمُونَ ثُمَّ كَانَتْ

برتنها و خود ستمکاران باز بود

عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَارُوا السَّوْءَ

بايان کار آنانك بد کردند بد بدي

الْحَبِيبِ أَتَى كَذِبُوا بِآيَاتِ

بسيب آنك دروغگوي داشتند آيتها

اللَّهُ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ

خدايي و بودند بوي نفسوس کنندگان

اللَّهُ يَبْدُ الْخَلْقِ ثُمَّ يَعْبُدُكُمْ

خدايي تو آفريند آفريد باز آفريند او را باطل

إِلَيْهِ تَرْجَعُونَ وَلَهُمْ ثَوَابٌ

بازگردايدند شديداً و او را جزا



يَبْلَسُ الْجَرْمُوتَ وَلَمْ يَكُنْ

نومید شود کافرات و نه بود

لَهُمْ مَشْرِكًا يَوْمَ شَفْعَاءُ وَكَانُوا

مراستاران از اینان ایشان شفاعت و باشند

بَشْرًا يَوْمَ كَافِرَاتٍ وَيَوْمَ

بانایان بخون منکرات و آن روز که

تَقُومُ السَّاعَةُ يَوْمَ تَفْرَقُونَ

برخیزد قیامت آن روز جدا شوند

فَأَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا

بسر بر حق آنان که کردید و کردند

الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ

بفکیها بر ایشان در مرغزاری

بِجَنَّاتٍ وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا

شار کرده شوند و بر حقند آنان که کردند



وَكَذَبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ

و دروغ گوی و بگویند اینها ما را و دیدار آن جهان

فَأُولَئِكَ فِي الْعَذَابِ مُخَصَّرُونَ

پس آن کس که در شکنجه حاضر گردان

فَسَبَّحَاتِ اللَّيْلِ حِينَ تَمْسُونَ

پس یا ک گفتن یعنی هنگامی که در شب شود

وَحِينَ تَضْحَكُونَ وَلَهُ الْحَمْدُ

و هنگامی که در بامداد شوید و مرا و استناید

فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

در آسمانها و زمین

وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ

و شب هنگام و هنگامی که در نماز پیشین آید

يَخْرُجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيَخْرِجُ

بیرون از مرده را از مرده



الْمُتَّيِّتِ مِنَ الْحَيِّ وَنَحْيِ الْأَرْضِ

مرد را از زنده و زنده کند زمین

بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَلِكَ تَخْرُجُونَ

پس از مودت و بهر و همجنان است بیرون آورده شوید

وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ

و از آیتها و اینست که آفرید شما را

مِنْ تَرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ

از خاک باز چون شما آدمیان باشید

تَشْرِقُونَ وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ

برآید و از نشانههای اینست که

خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ

آفرید بر شما را از جنس شما

أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ

جفتان تا آرامید با ایشان و بگوید



يَنْتَعِمُ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً أَنْ  
میان شما دوستی و محبتی که

أَنْ ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ  
آن نشانه‌هاست برای قومی که  
يَتَفَكَّرُونَ وَمِنْ آيَاتِهِ  
اندیشه کنند و از نشانه‌های وی

السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَخِزَائِنِ  
آسمانها و زمین و انبوهی

الْمِسْكِ وَالْأَنْكَبُوتِ أَنْ فِي  
زبانها شما و زنگها و شما هر آنکه

ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّلْعَالَمِينَ وَمِنْ  
آن نشانه‌ها است برای جهانیان و از

آيَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ  
نشانها می باشد خواب شماست در روز و شب



وَابْتَغُوا فَرَجَ مِّن فَضْلِهِ إِنَّ

وجستن شما از فضل او

فِي ذَلِكَ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

در آن نشانه‌هاست مژده برای کسان که

وَمِن آيَاتِهِ بَرَكَةُ الْبَرِّ

و از آن آیه‌ها و باری باری نمایان شما در خشنی

خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنَزِّل مِمَّنْ

ترسیدن و امید داشتن و می فرستد از

السَّمَاءِ مَاءً فَيُخْرِجُ بِهِ الْأَرْضَ

آسمان آب پس زیند کند به زمین را

بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَلِكَ

پس از مردن آن هرگاه در آن

لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

نشانه‌هاست مژده برای کسان که



آيَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ

آینها او آنست که بایستد آسمان وزمین

بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِّنْ

بفرمان او باز جوت خواند شما را خواندنی اند

الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ وَلَهُ

زمین ناکاه شما بیرون آید و مراد است

مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَهٍ

آنچه در آسمانها وزمین هر یک مراد است

تَخْلُقُونَ وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ

فرمان برادرانند و او است که نوآفریند آفریننده را

الَّذِي يُبْدِئُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ

بسیار کردارش و آن آسانست بر او و مراد است صفت است

الْأَعْلَى فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ

برتر در آسمانها وزمین و او

مَنْ فِي





الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ كَلِمَةً مَثَلًا

بی همتا و استوار کار بیدار کرد مرشدان استان از

انفُسَكُمْ هَلْ كَلِمَةً مَثَلًا مَلِكًا لَهَا مَنَافِعُ

تنها دشمن هیچ هست مرشدان از این مقصود دستمال شد

مَنْ شَرَكَارِ فَمَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنْتُمْ فِئَةٍ

از انبارات دریاچه رزق دادیم پس شما درویش

سَوَاءٌ تَخَافُوهُمْ كَخِيفَتَكُمْ أَنْفُسَكُمْ أَمْ لِلَّهِ

یکسانید می ترسید از ایشان همچو ترس شما از خفایان خود ایشان

نَفْسٍ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

بیدار می کنیم آیتها را از بهر کسی در آیند بخود نه خود

اتَّبِعِ الْإِنشَاطَ طَائِفًا أَهْوَاهُمْ بَيْنَهُمْ

پس روی انانک ستم کردند کامیاب و دل بخود دانست

فَمَنْ يَخْلُفُ مِنْ آخِلِ اللَّهِ وَمَا لَهُمْ

پس کیست که را بخاید از آل ملک افکند خلاصی در شهر مواضع از

کذالک



مَنْ تَصَرَّفَتْ فَاقَمَ وَجْهَهُ لِلدِّينِ

از یاری گرفتن با حق است روی خود را در پیش

خَيْفًا فِطْرَةَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ

و استخفا درین خدای آنکه آفرید مردمان را

عَلَيْهَا لَا تَبْدِلُ اللَّهُ ذَلِكَ الدِّينَ

بر روی نه هیچ گردانید در دین آنست که

قِيَمَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

است و جز آنکه بیشتر مردمان نه می دانند

يُحْيِيهِمُ الْيَهُودَ وَتَقْوَاهُ وَاقِيمُوا

زنده سازد آن سورت و بترسد از وی و بپای دارید

شَاهِدَةً وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ

شاهدان را و نه باشید از اینان که گویات

الَّذِينَ قَتَلُوا دِيْنَهُمْ وَكَانُوا

از آنسانانی که بر انداخته دین خود را و بودند

لخلق

ع



شَيْءًا كَالْحَنْبِ بِمَا لَكُمْ مِنْ قُرْبَتِ

کروهات هر کوهی باج خوردن ایشان شادمانی

وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ عَزَّوَجَلَّ

و چون بساورد مردم از آن خوراک

مَتَّيْنَتًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا قَهَرْتُمْ مَنَّهُ رَحْمَةً

باز کردند گات بوی بس جوت حشاند آن رخسایش

إِذَا فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَرْجِعُ بِشْرَ كُونِ

نمکاه کوهی از ایشان میگرداند ایماز گویند

لِيَكُنُوا بِمَا آمَنَّا بِهِ قَمَرًا

تا آناسیاسی کنند باج بدادم ایشان بس بر خورداری

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ أَنَّمَا أُنْزِلَتْ عَلَيْنَا

بس زود بود که بداید یا فرستادم بر ایشان

مِنْ سُلْطَانٍ فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُوا بِهِ

تجته سراو سخت گوید باج بودک بوی

بیرگونی



بَشِّرْكَوَيْتَ وَإِذَا أَزَقْنَا النَّاسَ

اینازی گوید و جوت جستانیم مردمان را

فَرَحَوا بِهَا وَإِنْ تَصْبِهِمْ

نشایشی شاد شوند و اگر برسدشان را

بِئْسَ مَا أَقْلَمْتَ أَيْدِيَهُمْ إِذَا هُمْ

بدی بدی بیش ترستان استغناء ناکاه ایشان

يَقْطَعُونَ أَوَّلَهُمْ يَوْمَئِذٍ أَلَيْسَ

نرمید شوند او نه در ملک هرینه خدای

بَسْطَ الرِّزْقَ طَرَفًا يَشَاءُ وَيَقْدِرُ

فراخ می کند رزق را مر آنرا که می و تنگ کند

رَبِّ فِي ذَلِكَ آيَاتٍ لِّقَوْمٍ

هرینه در ات نشاینهاست مکر و هیرا که

يُؤْمِنُونَ فَأَتَىٰ ذَا لَقْدَىٰ حَقَّهُ

می کردند بس به خویشاوندان را

ع



وَالْمُسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ ذَلِكُمْ

وینجاره را و راه کدریجا ات

خَيْرٌ لِلَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِهِ

بهتر است برای آنرا که می خواهند بخشود

اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

خدایه و آن گروه رستگارانند

وَمَا آتَيْتُم مِّن دِينَارٍ لِّیَبُولَیْهِ

و آنچه بدید از افزونی تا افزونی در

أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا یَزُولُ عِندَ اللَّهِ

خواستهای مردمان پس افزون نزد خدای

وَمَا آتَيْتُم مِّن زَكَاةٍ تُرِيدُونَ

و آنچه دادید شما از زکوی می خواهید

وَجَهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُضْطَرِعُونَ

بخشود خدای پس آن گروه ایشان در چندگان



اللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَدَّكُمْ ثُمَّ يَجْعَلُكُمْ

خداوند آفرید شما را باز رواج داد باز میگرداند

ثُمَّ يَخْتِمْ بِكُمْ هَلَكَةً شَدِيدًا

باز زنده کند شما را هست از اینازان شد

ذَلِكَ مِمَّا يَفْعَلُ مَن ذِي كُرْمٍ

کسی که بکند از آفات

مِمَّا شَيْءٌ بِسُحْرَانِهِ وَتَعَالَى

از چیزی که بگوید با شما یک و بلند است

عَمَّا يَشْرِكَوْنَ ظَهَرَ الْفَسَادُ

از آنچه ایناز می گویند بد آمد تباهی

فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ مِمَّا كَسَبَتْ أَيْدِي

در خشکی و دریا آنچه کردند دستها

النَّاسِ لِيَذَّبَهُمْ بَعْضُ الَّذِي

مردمان تا بچسباند شانرا بهره

ع



عَمَّا قَالُوا لَعَلَّهُمْ يَكْفُرُونَ

کردند تا ایشان باز کردند

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا

بگو بروید در زمین پس بنگرید

أَيُّ كَانَتْ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ

جمله بود پایان کار آنان از

قَبْلُ كَانُوا أَكْثَرَهُمْ مُّشْرِكِينَ

پیشتر ایشان بودند بیشتر ایشان اینها گویات بس راست

وَجْهَكَ لِلدِّينِ أَقِيمْ مِنْ قَبْلُ

روی خود را بر دین راست از پیش

أَنْ يَأْتِيَ يَوْمَ لَا مَرْكَ لَهُ مِنَ اللَّهِ

آنکه بیاید آن روزی که ندارد از خدا

يَوْمَئِذٍ يَصْدَعُونَ مِنْ كَفَرٍ

آن روز پندارنده شوند هر که کفارند



فَعَلَيْهِ كَفَرْتُمْ وَهَتَّافٌ إِلَىٰ

بسیار بدست گرفتار و کفر کار می بیند کرد کار بی نیل

فَلَا نَفْعَ لَهُمْ مِنْهَا وَكَانَ لِيُجْزَىٰ

بسیار سود ندارد و سودی ندارد تا با او اشت دهد

الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

آنانی که گوریدند و کردند کارهای نیک

مِنْ فَضْلِهِ إِنَّهُ لَا يُخِبُ الْكَافِرِينَ

از فضل او که او نه دوست دارد کافران را

وَهُمْ يَلْبِغُونَ أَنْ يُنْزِلَ إِلَيْهِمْ

و از آیتها او که فرستد بارها او

مَبَشِّرَاتٍ وَلِيُذِيقَهُمْ مِنَ تَعْمُّقِهِ

مژده دهد در کان و تابشاندنات از غنایش خود

وَلِيُجْزِيَ الْفَلَاحَ بِأَمْرِهِ وَلِيُتَبَخَّصُوا

و تا رود کشتی بفرمان او و تا جویند



مِنْ فَضْلِهِ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

از افزونی و تاشما سیام دارید

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا

ویدستی که فرستادیم از پیش تو پیغامبران

قَوْمِهِمْ فِي أَنْفُسِهِمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَنَسْتَعْمِلُ

کروه ایشان بر او براهین باجتها بپیرا

مِنَ الَّذِينَ أَجْرَمُوا وَكَانَ

از انانک گناه کردند

حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ

راست بر ما یاری کردید مؤمنان

اللَّهُ الَّذِي يُسِكِّتُ الرِّيحَ

خدا که آنک بی فرستد بادها را

فَتُفِيثُ سَحَابًا فَيُمْسِكُ فِي السَّمَاءِ

بس براندازد ابرو بس گستراندش بر آسمان

صفا



كَيْفَ يَشَاءُ وَيَفْعَلُهُ كَيْفَا

بجمله که خواهد و کردار کند بارها

فَتَرَى الْوَدْقَ تَخْرُجُ مِنْ

پس بینی باران بیرون آید از

خِلَالِهِ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ

میان روی پس چون رسد به کسی را

يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ يَشْتَرُونَ

آنکه خواهد از بندگانش تاگاه ایشان شاد می شود

وَأَنْ كُنُوا مِنْ قَبْلِهِ أَنْ يَنْزِلَ

و بستی که بودید از پیش از آنکه شود

عَلَيْهِمْ مَنْ قَبْلَهُ الْمَلِئْسَيْنِ

برایشان از پیش آن تو میدانت

فَأَنْظِرْ إِلَى آثَارِ رَحْمَةِ اللَّهِ

پس بنظر سوی اثرها بخشاییش خدای



كَيْفَ تَحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ

موتها آن را که مملو از مردهگانست

مَوْتَهَا إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ أَمْوَاتٍ

مردن او هرچند است زنده کنند مردگانست

وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَلَئِنْ

او است بر هر چیزی توانا و اگر

أَرْسَلْنَا مِنْكُمْ نَارًا وَهُوَ مُصَوِّرُ الْأَشْأَاءِ

فرستیم از میان شما آتش را و او است سازنده اشیا

مِنْ بَعْدِهِ يَكْفُرُونَ فَاذْكُرُوا أَنْتُمْ

از پس او ناکرده گناهان بسوایند و شکر کنید

أَمْوَاتٍ لِكَلَّا تَسْمَعُ الْكَلَامَ

مردگان را و نه شنوایی گواندا خوانند

إِذَا وَلَوْ أَمْلَاكَ بَرِيتَ وَمَا أَنْتَ

چون بر کردی بخت دهنگان و نه تو



بِهَدَايِ الْعِلْمِ عَنْ ضَلَالَتِهِمْ اِنَّ

راه نشان کوران از گمراهی شان

تَسْمَعُ الْاَمْرَ يَقُومُ بِاِيْتَانِهِمْ

شنوای امر آنرا که گوید بایستهای و مامورشان

مُسَاهِدُونَ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَكُمْ

مسلمانان خدای آنست که آفرید شما را

مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ

از سستی باز کرد از بس

ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ

سستی نیرو باز کرد از بس

قُوَّةً ضَعْفًا وَشَيْئَةً تَخْلُقُ مَا

توانایی سستی و چیزی آفرینک آنچه

يَشَاءُ وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَلِيدُ

بی خواهد و اوست دانا و توانا



وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ

وَأَن رَّوَاهُ بِرَحْمَةٍ قِيَامَتِ سَوَاقِثُ

الْخَرِيقَاتِ مَا لِيَنفُثَا غَيْرَ

كَافَاتِ نَهْ دَرَكِ كَرْدِ جَدِ

سَاعَةٍ كَذَلِكَ كَانُوا

يَكْسَعَتِ هِجَانَتِ بُوَدَنَدِ

يُؤْفَكُونَ وَقَالَ الَّذِينَ

دُرُغِ مِيلَفَنَدِ وَكَفَنَدِ أَنَا نَلِ

أَوْثُوا الْعِلْمَ وَالْأَيْمَانَ

دَادَنَدِ دَاشَتِ وَكَوَدِيدِ

لَقَدْ لَشِمْنَا مِنْ كِتَابِ

بَدِ صَفِي دَرَكِ كَرْدِ نَامِهْ

اللَّهِ إِلَى يَوْمِ الْبَعْثِ

خَدَايَهْ تَا رُوزِ بَرَأَيْلِخَتِ







الْمُفْلِحُونَ وَهِيَ النَّاسِ

رستگاران اند و از مردمان

مَنْ يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ

کسی که است می خرد افسانه مستحق

يُضِلَّ عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ بَعْدَ عِلْمٍ

نامرأه کند مردمان را راه خدا بعد از دانستن

وَيَخَذُهَا هَزْوَ أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ

و بکشد آن را افسوس این گروه از تشنگی

مَهِيْنٌ وَإِذَا تَنَالَى عَلَيْهِ آيَاتُنَا

خوار کنند و چون خوانده شود بر آیتها

وَلَا يَسْتَكْبِرُ كَانَتْ لَمْ يَسْمَعْهَا

رویی گردانند کردن تشنگی کنند که بگوید نه شنودنش

كَانَ فِي آذَانِهِ وَقَدْ فَبَشَّرَهُ

گوئی که در دو گوشه گرانید پس مرده او



بِهَذِهِ الْيَمِينِ رَبِّهِ الَّذِي

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

مرايشانراست

بِحَبْلِ الْغَدِيرِ خَالِدِينَ فِيهَا

بوستانها

وَعَدَا اللَّهُ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

نویسند

لَخَلْقِ السَّمَوَاتِ فِيْ يَوْمٍ سِتَّةٍ

آفرید

وَالْأَرْضِ فِيْ يَوْمٍ اَرْبَعٍ

وَالْفَلَکِ فِيْ يَوْمٍ اَوْ ثَلَاثٍ

تَمِيدَ بِكُمْ وَبَشِّرْ فِيْهَا كُلَّ دَابَّةٍ

نخبانندگان



وَأَنزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَنبَتْنَا

در زمین از آسمان آب پس گیاهان

فِيهِمَا مِنْ كُلِّ نَوْعٍ كَبُرَ هَذَا تَوَكُّؤُكَ

در این از هر گونه بزرگ است این توکل

اللَّهُ قَارِئُكَ مَاذَا خَلَقَ الذِّكْرَ

خداوند بخواند چه چیزی را آفریدند آنرا

مِنْ دَقَّتْ بِهِ الْأَطْلَافُ

از جزوای آن نوحه می‌دهند

فِي خِلَالِ تَمِيمٍ وَلَقَدْ أَنشَأْنَا

در گدازهی بیلاند و بدین سنی بالند

لَقَمَاتِ الْحِكْمَةِ أَنْ أَشْكُرَ لِلَّهِ

لقمان را حکمت که سپاس داری کند

وَمَنْ يَشْكُرْ فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ

و هر که سپاس داری جز برای خود را

وَمَنْ

و هر که



وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ

وهرگ نامیابی کند که خدا بی نیازی

رحیمٌ وَإِنْ قَالَ لَقَمَاتٌ

سنتی است وجوب گفت لقمان

لَا يَنْبُو وَهُوَ يُعْطِيهِ يَنْتَحِلُ تَشْرِكُ

دست خود را و او بنده دهنده ای بیشتر ایداز ملوک

بِاللَّهِ الشُّرَكَاءُ أَظْلَمُ عَظِيمٌ

بلای هر آنکه ایداز گوی سنی بزرگست

وَرَبُّنَا الْإِنْسَانُ بِوَالِدٍ مَلَكٌ

و زکر کنیم ما آدمی را مادر و پادشاهی بر داشتند

أُمُّهُ وَهِيَ عَلَى رُحْنٍ فِصَالُهُ فِي

روی سنی بر سنی و شیر باز کرد روی

عَامِينَ أَرَأَيْتَ لَكَ وَالِدًا لَكَ

که می آید که بسیار هیزی کند و می آید و می آید



إِلَى الْهَيْئَةِ وَأَنْتَ جَاهِلٌ عَلَى

سویب معیت باز گشت واکر کوشید تو بر

أَنْ تَشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ

آنک انبار کوئی با منی که نیست مرا بار

فَلَا تَطْغَمَهُمَا وَصَاحِبُهُمَا فِي الشَّيْءِ

فرمان بر ایشان را و صحبت کن با ایشان ازین چه

مَعْرُوفًا وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَا بِكَ

نیگو و بسرو روی کن راه انرا که بار

ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ

باز من باز گشت شماست بر آنگاه که شما را ببلوغ

تَعْمَلُونَ يَا بَنِي آدَمَ أَنْتُمْ

کردنندگان ای پسران آدم آنکه باشند

مَثَقَاتِ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ

همسنگ دانه از سبذات پس باشند

اناب

آنک



فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَوَاتِ أَوْ فِي

سنگی یا در آسمانها یا در

الْبُيُوتِ يَأْتِيهَا اللَّهُ أَنْ لَطِيفٌ

زینت آرد او را خدای که خدای دوزخ

خَبِيرٌ يَا بَنِي آقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ

گواهانت ای پسران بپایدار نماز را و بفرمای

بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ

نیکی و رازدار از کار زشت و صبر کن

عَلَى مَا آصَابَكَ إِنَّ ذَلِكَ

را آنچه رسید ترا که انت

مِنْ عَذَابِ الْأُمُورِ وَلَا تَصْغُرْ خَدَّكَ

و دل بسختن کارها است و نه کودن گوی و نه خوار

لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ

بر مردم و نه در زمین



مَخَاتِبَاتِ اللَّهِ لَا يَحِبُّ كُلَّ

مسلط که خدای نخواست دارد هر

مَخْتَالٍ خَوْفٌ وَاقْصِدْ فِي مَشَاكِلِ

خبر اندک نازیده لا و میانه در در آن رخ

وَإِغْضُضْ مِنْ صَوَائِكَ طَائِفَاتٍ

و فرودار از آوازت که هر این

أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتِ الْحَمِيدِ

نشت نیرت آوازه آواز خرس

الْمُتَرَفَاتِ اللَّهُ سُبْحَانَكَ مَا لَيْفِي

اونه در یک آید که هر این خدای را م کرد مشاغل آنج

السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْجِدُ

آسمانها و آنچه در زمین و تمام کرد

عَلَيْكُمْ نِعْمَةٌ ظَاهِرَةٌ وَبَاطِنَةٌ وَمَنْعَةٌ

بر شما نیکوئیها نمود بیدار و پنهانی و از



الْثَّاسِ مَنْ يَجَادِلْ فِي اللَّهِ

مردمان آنست که بجادلی کند خدا را

بِغَيْرِ عِلْمٍ وَكَاهِلٍ وَكَانَ كِتَابٌ

بغیر دانش و راه نماید و نه نامه

مَنْ يَدْعُو إِلَى اللَّهِ يَجْعَلْ مَا

رشد و چون گفت شود برین بسوی آن

أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَشَرٌ مِثْلُنا

که فرود خدا گویند بیهوده و گویند آدمی

عَلَيْهِ آيَاتٌ أُولَئِكَ الشَّيْطَانُ

بر او آیات بران او اگر بود شیطان

يَعُوْهُمْ إِلَى عَذَابِ السَّعِيرِ

خواند ایشان را سوی عذاب آتش افروزان

وَمَنْ يَسْمُرْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ

وهر که سبازد تن خود را سوی خدا



وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدْ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ

وارست بیکوکت است ایستی چنانچه بر رخ بکوش

الْوُثْقَىٰ وَالْإِلَهَ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ

استوارتر و سوی خدای است بایان کارها

وَمَنْ كَفَرَ فَلَا يَحْزَنُكَ كُفْرُهُ

وهر که کفر آید ز تو اندوهگین کند تو کفر او

الْيَتَامَىٰ جَعَلَهُمْ فِتْنَةً لِّهِمْ بِمَا عَمِلُوا

سوی یاست باز آشت بشارت سوا که کنیم شان با نیک کردل

إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

که خدای داناست بر اذهاء سینه

يَمْسَحُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ تَضَاطُّعُهُمْ إِلَىٰ

رخورداری و هم اندک باز بجای و کنیم شان لا سوی

عَذَابٍ غَلِيظٍ ۖ وَلَئِنْ سَأَلْتَهُمْ

درشت و لر بر سی شان



مَنْ خَافَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ

که آویزد آسمانها و زمین

لَيَقُولَنَّ اللَّهُ قُلُوبُ الْحَمْدِ لِلَّهِ

هرگاه گوید خدای عزوجل که میسر من خداوند است

أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ لِلَّهِ

بیشتر ایشان نمی دانند

مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ

آنچه در آسمانها و زمین

اللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ وَلَوْ أَنَّ

خدای عزوجل نبود و اگر هرگاه

مَا فِي مَنِّ شَجَرَةٍ أَفْلاَمٌ وَالْبَحْرُ

آنچه در درختی خامه بود و دریا

يَمَلَأُ مِنْ بَعْدِ سَنَةِ الْخَيْرِ

سیاهی کرد از بسراو هفت دریا



مَا نَفَعَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ ابْنِ اللَّهِ

نه صبری شود سخنوار خدای که خدای

عَزِيزٌ حَكِيمٌ مَا خَلَقَكُمْ وَلَا بَعَثَكُمْ

بی همتا واستوار گارست خدای که خدای و نه مرا خدای

لَا كُنْفَرٍ قَاتِلَاتِ اللَّهُ سَمِيعٌ

مگر همجور را کشتنی بی سکی که خدای شنوا

بَصِيرٌ أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُوَلِّجُ اللَّيْلَ

وینماست او نه دیکه که خدای در پی آرد شب

فِي النَّهَارِ تَوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ

در روز و در شب آرد روز را در شب

وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي

بر دام گرد آفتاب و ماه را هر یکی می رود

إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى قُلْتَ اللَّهُ هَا تَعْمَلُونَ

تا زمانی نام برده و هر اند خدای را بی کنید

خبر



خَبِيرٌ ذَلِكَ بَاتَ اللَّهُ هُوَ الْحَقُّ

آگاه است انت بافت که خدای وی راست است

مَا يَدْعُونَ وَامَّا يَدْعُونَ مِنْ

آنچه می خوانید از

دُونَهُ الْبَاطِلُ ۷ وَآتَ اللَّهُ هُوَ

جزا و نادرست است و هر این خدای وی

الْعَلِيَّ الْكَبِيرُ ۸ أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفَلَكَ

بلند بزرگست او نه دینی که کشتی

تَجْرِي فِي الْبَحْرِ نِعْمَةٌ اللَّهِ إِلَيْكُمْ

می رود در دریا بنیگوئی خدای تا نمایند

مِنْ آيَاتِهِ طَاتَّ فِي ذَلِكَ كَلَامٌ

از اینها و خود هر این در آن نشانهاست

لِكُلِّ عِبَارٍ شَكُورٍ ۹ وَإِذَا غَشِيَهُمْ



تَفُجُّ كَالْأُظْلَالِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ

اشنوی عجزه با آنها خوانند خلاصه بی امید گفدگان

لَهُ الْآيَاتِ فَلَمَّا نَجَّيَهُمْ إِلَى الْبَرِّ

از بهر او یسار بر جوت رحمت سوی خشکی

فَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا

بر ایشان میان روزگار است و نه منکر شوند باینها و ما

إِلَّا كَلَّخْتَارَ كَقَوْمٍ بِيَايَتِنَا النَّاسُ

مگر هر ناو فانی تا بایستی ابی مردمان

اتَّقُوا رَبَّكُمْ وَانْخَشُوا يَوْمَ الْآخِرَةِ

بترسید از پروردگار و ترسید از روزی که نه گزارد

وَالِدَعْنِ وَلَكَ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَارٌ

باری از فرزندان و نه فرزندی وی گزارد

عَنْ وَالِدِ شَيْءٍ اِنَّ وَعْدًا لِلَّهِ

از پدر خود چیزی هرینه توید خلاص

حق



حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا

استغثت بسنة فریبک عالمه زرقای این جهان

وَلَا يَغُرَّنَّكُمْ بِاللَّهِ الْغَرُورُ إِنَّ

ونه فریبک شمار غلج و نه

اللَّهُ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنَزِّلُ

خدا که از روست دانش قیامت و فرو فرستد

الْغَيْثَ ۖ يَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْحَامِ

باران که می داند آنچه در زهد است

وَمَا يَكُنْ فِي نَفْسٍ مَّا أَتَاكَ لَمْ

ونه می داند هیچ تنی چه و زاده یعنی بخار کند

يَكُنْ ۖ وَمَا يَكُنْ فِي نَفْسٍ مَّا يَأْتِي

فولا و نه می داند هیچ تنی بکلام زبیر

تَهْوَتْ ۖ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

میرد که خدای دانای و آگاه



سورة السجدة مكية و طے تسع و ع

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بنام خدای مهربان بخشننده

الَمْ تَنْزِيلَ الْكِتَابَ لَازِبًا

آیا نازل کردی این کتاب را برای آنکه

فِيهِ مِنْ رَّبِّ الْعَالَمِينَ

در آن از پروردگار جهانیانست

يَقُولُونَ أَفَرِيهٖ بَلْ هُوَ الْحَقُّ

میگویند آیا فریادش بل او حق است

مِنْ رَبِّكَ لِنُزْلِهِ قَوْمًا أُنْفِثَ

از پروردگارتو تا بیم کنی گروهی را که آمدنشان را

مَنْ يَنْفِثُ مِنْ قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ

بیم کنی آنرا پیش از آنکه تا گمراهان را هدایت کنی

الله



اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ

خَلای آنک آفرید آسمانها

وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ

وَرَمِین وانیج میان هر دو است شش

أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ط

روز باز فصل کرد بر آفریدن تخت بزرگ

مَّا لَكُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَاَلَيَّْ وَلَا

نیست مرشدا از جزوی هیچ دوستی و نه

شَفِيعٍ ط أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ قِيلَ يٰۤاَيُّهَا

خواهش او پس بند گیرید مقرر کنند فرمان

الرَّسُولِ السَّمَاءُ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ

از آسمان سوی زمین باز

يَخْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مَقْدَرُهُ

برشودن سوی او در روزی که مقدر آن



أَلْفَ سِتَّةَ مِائَاتٍ تَقَدَفَتْ ذِكْرَكَ

هزار سال از پنج بیست و شش

عَالِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْخَزِيرِ

دانا بنهاست و آشکارا بی همتا

الرَّحِيمِ الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ

بیشتر بخشنایند آنک نیکو کرد هر چیزی

خَلَقَهُ وَبَلَّا خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ

که آفرید و آفرید و آغاز کرد آفریدت مردم را

مِنْ

طِينٍ ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُكَّرٍ لَّهُ

خاک بار کرد و زنده ان از و عید

مِنْ مَاءٍ مَّهِينٍ ثُمَّ سَوَّيْنَاهُ وَنَفَخْنَا

اندر آب کندی سست باز راست کردش و دردمند

فِيهِ مِنْ نَفْحِهِ وَجَعَلَ لَكُمْ

در از جان وی و کرد مرشمارا



السمع والابصار ولا فية قلنا

وای وینای و دلها ایست اندک

ما تذكروا وقالوا ايد ضلنا

سازداری یکتید و گویند او جوت کم شویم

من الأرض ايتا في خلق جديد

زمین او هر این ما در آویدت نور باشد

بهم يلقا نهم كافوت

ایمان بخیزد بروردگار منکر است

ما فيكم ملك الموت الذي

میواند شمارد فریشته مرگ آنک

عليكم ثم اياي تبكم ترجعوت

باز گردانید شوی باز گردانید شوی

والنبي اذا لم يمتوت ناكسوا

پیش رویید چون از وقت گزیدگاه ناکسند



رَوْسَمِ عِنْدَ رَبِّنَا ابْصُرْنَا وَسَمِعْنَا

سرها و شاه <sup>خود</sup> در دکان <sup>ای</sup> بروید <sup>در</sup> بیکم <sup>و شنو</sup>

فَارْجِعْنَا فَعْمَلْ مَالَنَا اِنَّا مَكْرُومُونَ

بس باز گردان مال ما کنیم کاری نیک

وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هَدًى

و اگر خواستیم هر انچه داری هر <sup>نهی</sup> دعو

وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي

و جز آنک واجب شد گفتار

لَا مَلَأَتْ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ

هر انچه پر کنیم <sup>در</sup> رخ از <sup>پریان</sup>

اجْمَعِينَ وَلَوْ قَوَّامًا نَّسِيتُمْ لِقَاءَ رَبِّكُمْ

همه <sup>بس</sup> بخشید شما <sup>ای</sup> فراموش کردید

هَذَا اِنَّا نَسِينَاكُمْ وَذَرْ قَوْمًا

این <sup>همه</sup> را یادش داشتم <sup>عزای</sup> شمارا بآب



عَلَّابُ اللَّحْلِ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

شکنجه جاوید باغ می کردید شما

أَمْ لَمْ تُؤْمِتْ بِآيَاتِنَا الَّتِي إِذَا

هزاره کردید بآیتها و اما آنانک جوت

ذَكَرُوا بِهَا خُرُوفًا يَسْحَكُونَهَا

بند آید بدات بروی سحر کنند و بیکی یاد کنند

يَحْمِلُكُمْ بِهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ يَتَجَلَّيْ

بستائش از ایشان نه کردت کنی کنند دور شود

بِحَنُوقِهِمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَنْعَوُونَ

بخلوها و شان از بسترها می خوانند

وَهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ

بروزگار بترب و امید و از باغ روزی دادیم

يَتَفَقَّحُونَ فَلَا أَفْئُتُمْ أَنْفُسَ مَسَا

هزاره کنند بیرون کمال از آن



سجده

بجده



أَخْفِيَ لَهُمْ مَنْ قَرِئَ آعِيبٌ حَزَاهُ

پوشید مکران از بعضیانی چشمها پاداشیه

بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ أَفَمَنْ كَانَ

بانی کردی او را که بود

مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ

کودک همو کسی که بود بی فرمان نه برابر باشند

أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

برهمنانان آنان کردید کارهای نیک

فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْأُفُىٰ بَيْنَهُمَا

بس میانشان است جنت جای قورامک داند بانی

كَانُوا يَعْمَلُونَ وَأَمَّا الَّذِينَ

بودند کردند کار و برهمنانان آنان

فَسَقَوْا فَمَا يُكَفِّرُ النَّارَ كَلِمًا

بیرود آمدن بس جای باشد آنست هدیاری

از فرمان ایشان



أَرَادُوا أَن يَخْتَفُوا مِنْهَا عَذَابَ

خواهند که بیرون آیند از آن باز گردانند

فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُقُوا عَذَابَ

در آن و گفتند شود از آن عذابت

النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهِ تَكْذِبُونَ

آتش آنکه بودید بوی دروغ داشتید

وَلَنْتَقِيَنَّكُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَلَدِيِّ

و هرگاه جوشانیم شان از شکنجه

لَاَوْنِ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ لَعَلَّهُمْ

جذ شکنجه بزرگتر تا آلم ایشان

يَرْجِعُونَ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ

باز گردند و کیست ستمکارتر از آنکس

بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا

باینها در پیش و بر گروان از آن





۶  
اَنَامُنَا لِمَنْ مِثَ مَنَ تَقْمُونَا

هر اینها از کناه کاران کینه کیم و داد ستانیم

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ

و بلاشب که بلا ختم موسی را

فَلَا تَكُنْ فِي مَرْيَةِ مِّنْ لِّقَائِهِ

بسمه پاش تو بوی محمد در کمانی از دیلاروی

وَجَعَلْنَاهُ هَدًى لِّبَنِي إِسْرَءِيلَ

و کردیم ما او را راه نمایی موبسران یعقوب

وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا

و کردیم ما از ایشان راه نمایی که راه نمایند بفردان

لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يُوقِنُونَ

هرگاه که شکیبایی و بودند بایاتهای کمانات

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُم فِيمَا

هر این بر در کار تو می جدا کننده میان ایشان قهرام

تو  
ای  
تو  
ای  
تو  
ای

انوا



كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ **أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُ**

بودند در وی اختلاف می کردند **اولم** نه غول

لَهُمْ كَمَا أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ

مراشان را چنان هلاک کردیم از **کردها**

يَمْشُونَ فِي مَسَاكِينِهِمْ **أَتَىٰ فِي ذَٰلِكَ**

می روند در جایگاه های ایشان **در آن**

آيَاتٍ **أَفَلَا يَسْمَعُونَ** **أَوَلَمْ**

**نُفَا هُاسْت** **اویس نه شنوند** **اونه**

يَرَوُا آتَانَ سَوْفَ الْمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ

دیدند که هرگاه می یابیم آب را به زمین

الْجَزْءِ فَنُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا يَأْكُلُ مِنْهُ

پس **بیرون** **آیم** **برای** **زراعت** **را می** **خورد** **از آن**

أَنعَاهُمْ وَأَنفُسَهُمْ **أَفَلَا يَبْصُرُونَ**

**همه را** **باز** **شان** **نه** **ببینند**

باز  
همه را  
باز  
همه را  
باز  
همه را



وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْفَتْحُ إِن

دجی گویند کیست این کشادگی

كُنْتُمْ صَادِقِينَ قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ

هستید راست گویان بگوئید روز کشادگی

لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيْمَانُهُمْ وَلَا هُمْ

نه سود لعل آنانکه کفر آوردند کرویانشان و نه ایمانشان

يَنْظُرُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ

زبان داده شوند بر روی گردان از ایشان

وَانْتَظِرْ أَتَاهُمْ

و چشم دار که هر اینه ایشان

مَنْتَظِرُونَ

چشم دارند کاند

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ع



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بسم خدای مهربان رحیم

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ

ای پیغمبر از خدای و نه فرمانبر

الْكَاذِبِينَ وَأَنتَ أَفْقَتٌ

ناگرویدگان را و در روایت را

إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا

که خدای بود دانای و استوارکار

وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ

و پیروی آنرا که پیغام داد سوی تو از پروردگار تو

إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ

هرایزه خدای هست بانج می کنید

خَبِيرًا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ

آگاه و اعتماد کن بر خداوند و کافیست



بِاللَّهِ وَكَيْلًا مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ

خدای کاروان نه آرد خدای مردی

مَنْ قَلْبَيْنِ فِيْ جَوْفِهِ وَمَا جَعَلَ

از دودل هر دو دلی و کرد

أَزْوَاجَكُمْ اللَّائِي تَطَاهَرُونَ

جفتان شای امانک ظاهر میکنید

مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ أَدْعَاءَكُمْ

از ایشان مادران نه کرد به پسران کنعان

أَبْنَاءَكُمْ ذَلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ

پسران شما آثان گفتار است بدنهائشان

وَاللَّهُ يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي

و خدای می گوید راستی را و می نماید

السَّبِيلَ أَدْعَوْهُمْ لَا بِأَيْهَمُ هُوَ

راه خوانند ایشان را به آیه می نماید



اَقْسَطَ عِنْدَ اللَّهِ فَإِنْ لَمْ تَعْلَمُوا

یادداشت نزد خدایا پس اگر نه دانید

آيَاهُمْ فَاحْذَرُوا تَكُنْ فِي الذِّكْرِ

یادداشتشان پس از انظار در زکیر

وَمَا إِلَيْكُمْ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ

و دوستان شما نیست بر شما

فِيمَا أَسْأَلْتُمْ بِهِ وَلَكِنْ مَا تَعْمَلُونَ

در آنچه خطا کردید بدو و چه آنچه تصادف

قُلُوبِكُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا

دلها تان و هست خدای آمرزگار

رَحِيمًا أَلَيْسَ أُولَىٰ بِأُولَٰئِكَ

همیشه بخسانید بیغامیز سنرا و از دوست بگرویدگان

مِنْ أَنْفُسِهِمْ وَأَزْوَاجِهِ أَمَّا تَعْمَلُونَ

از تنها و زنا و جفتان و چه



وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى

وخلایق و اولاد خویشا  
لختی از امشادات سزاوارتر

بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ

لختی در کتاب خدا

أَكْثَرُ مِنْكُمْ وَأُولَاهَا جَزَاءُ

کثرت و برتری کثافت از

بَعْضِهِمْ أَكْثَرُ مِنْكُمْ مَعْرُوفًا

کثرت و برتری کثافت از

كَانَ ذَلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا

بود آن در کتاب نامده

وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ

و یادگاری از انبیا

وَمِنْكُمْ نُوْحٌ وَإِبْرَاهِيمُ وَإِسْمَاعِيلُ

و از تو و ابراهیم و اسماعیل



وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَآخُنَا مِنْهُمْ

وعیسیٰ بن مریم و آخنایان از ایشان

مَيِّثًا قَاغِيظًا ۝ لَيْسَ آلِ الصَّادِقِينَ

عمری درشت تابرسد راست گویانند

عَنْ صَلَاحِهِمْ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ

از راست گفتنشان و آماده کرد برای کافران

عَلَى الْيَمَانِ يَٰ أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا

شکوه در نال یای ایها که ایمان آوردند

اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ

یاد کنید نیکیهای خدا بر شما چون

جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ

آلیمان سپاهیان بر فرستادیم بر ایشان

رِسْحًا وَجُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا وَكَانَ

باده و لشکری که ندیدید و راست

ع



اللَّهُ مَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا

خدا چه بلای می کنید

إِذْ جَاءُوكُم مِّنْ فَوْقِكُمْ وَمِنْ

جوت آمد شما

أَسْفَلَ مِنكُمْ وَإِذْ رَاغَبُ الْأَبْصَارِ

فرودتر از شما و جوت برکشت چشمها

وَبَلَغْتَ الْفَوَّابَ الْحَنَاجِرَ وَقَدْ نَظُنُّكَ

و بر رسید دلها بخنجر کردنها و گمان می کردیم

بِاللَّهِ الظَّنُّونَا هَذَا كَإِنتِلَابِ

بلای شماها اینجا از مورک شدن

الْمُؤْمِنُونَ قَدْ لَازَلُوا زِلْزَالَ الْأَشْجَلِ

کروبرگات و جنبانیدن شدند جنبانیدن

وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ

و جوت گفتند و منافقان و آنانکه

و قلوبهم



فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَّا وَعَدَنَا اللَّهُ

هر دلمه ایشان بیمار است مگر تو یقیناً او را خدا

رَسُولُهُ الْأَعْرُوفُ وَإِذْ قَالَتْ

رسالت او مگر تو بختی و حجت گفتند

كَأَيُّفَ تَقُومُ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ

چگونه ای ایستان ای کسان طریقه نیست جای

فَإِنْ جَعَلُوا وَيَسْتَأْذِنُ فُلُوقُ

اگر بران گردید و دستوری خواستند گروه

وَأَهْلُ النَّبِيِّ يَقُولُوتِ إِنَّا بِكُمْ نَسِيتُ

ایشان بخاطر می گردانند هر چه شما و ما

عَمْرَةٍ وَهَآئِ بِحُورَةٍ ط إِنَّا

با استوار است و نیست آنها تا استوار

بَيْنَكُمْ قَدْ أَفْرَأْنَا وَأَلْفُ ذَلَّتْ

همی خواهند مگر گزافتن و اگر در راه شد



عَلَيْهِمْ مِنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سَيَلُوا  
برایشان از کواکبات بان خواسته شد

الْفِتْنَةَ لَا تَوْهَا وَمَا تَلَبَّسُوا بِهَا  
فتن هرگز ندادند و درنگ کردند بدان

يَسِيرًا وَلَقَدْ كَانُوا عَاهِدًا  
آلای و بدستی بودند عهد کرده

مِنْ قَبْلُ لَا يُولُوفُونَ  
از پیش نه دهند بشفاف

وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُورًا  
و بود عهدهای خدا بکوب

لَنْ يُفْعَلَ الْفَدَاءُ إِنْ قُوتُ  
هرگز نه سود کند شهادت اگر کوفت

مُوتِ الْمُؤْمِنِينَ أَوِ الْقَتْلِ وَإِلَّا  
از مویک یا کشتن و اگر نه



لَا تَسْتَعْوِفُونَ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّا قُتِلَ

بر غور دارک راندند و کشته شدند

مِنْ ذَٰلِكَ يَنْهَىٰ عَنْكُمْ مِّنْ

از آنکه نگاهدارد شما را

الْأَنْفُسِ أَرَادَ بِكُمْ سُوءَ

آلوه خواهد بشما بدی با

أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَلَا يَجِدُونَ

خواهد بشما بخشایشی و نه بیایند

لَهُمْ مِنَ دُونِ اللَّهِ وَلِئَا

بر ایشان از جز خدای دوستی

وَلَا أَنْصِرًا ۚ قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ

و نه یاریگری کند خدا بداند

أَلْمُؤْمِنِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ

از شما را و آنها را که میگویند



لَا خَوَاتِمَ هَلَمَّ إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ

مردان از شما بر ما و نه

النَّاسُ إِلَّا قَلِيلًا أَشْجَى عَلَيْكُمْ

مردان مگر اندک اشقات بر شما

فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَقْطِرُونَ

بسر جوت اند ترسید بیخی ایشان می نکلند

إِلَيْكَ تَلَدُّرًا عَيْنُهُمْ كَالَّذِي

سوی تو می کوبد چشمه اشان همچو آنک

يَغْشَى عَنْهُ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ

بهر شی افکد ببرد رک بسر جوت برود

الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِالسَّنَةِ حُلَاةٍ

ترسید از نلقات بزمانها تسن

أَشْجَى عَلَى الْخَيْرِ أُولَئِكَ لَمْ يُمْنُوا

اشقات بر نیکنویان آن گروه نه کوریدند  
فاحط



فَاَحْبَبَ اللَّهُ اَعْمَالَهُمْ وَكَانَ ذَلِكَ

بسیار محبوب گردید خدای کارهایشان بود

عَلَى اللَّهِ يَسِيرُ **وَيَتَسَبَّوْنَ** الْاَخْبَارَ

بر خدای آسان است و می پندارند کوهها

لَمْ يَذْهَبُوا وَلَئِنْ يَأْتِ الْاَخْبَارُ

نه رفتند و اگر آید آن کوهها

يَكُونُوا لَوْ اَنَّهُمْ يَأْتُونَ فِي الْاَغْصَابِ

آرزو دارند که اگر بیاورند در اعداب

يَسْأَلُونَ عَنْ اَنْبِيَائِكُمْ وَلَوْ كَانُوا

می پرسند از انبیا و اگر بودند

فِيكُمْ مَا قَاتَلُوا الْاَقْلِيَّةَ لَقَدْ

اگر شما نه کارزار کردند مگر اندک

كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ اُسْوَةٌ

بود برای شما در رسول خدا سرمه



حَسَنَةً مِّنْ كَانَتْ يَرْجُوا اللَّهَ

بنامو بر آنرا که بود امید داشتند خدایه را

وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَذَكَرَ اللَّهُ كَثِيرًا

و روز باز بسبب و یاد کرد خدای بسیار

وَمَا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْآخِرَتِ

و چون دیدند که و بیکان که و همانا

قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ

گفتند این است که نوید داد ما خدای و رسولش

وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا نَرَا

و راست گفت خدای و پیغامبر او و نه اندر ایشان

إِلَّا إِيْمَانًا أَتَيْنَاهُمَا مِنْ أَلْمُؤْمِنِينَ

مگر راست گوی و سپردن از کویکان

يَحْيَا صَافُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ

حیوانان را که و راست گفت ای عمل کردند خدا



عَلَيْهِمْ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ

بر او بر او ایستاد است که گزارد

وَمِنْهُمْ مَنْ لَّا يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا

و از ایستاد کسی است که چشم می دارد و نه دیگرشان

تَبَلٍّ وَلَا يَلْجِزِيكَ الصَّادِقِينَ

دیگرشان تا یاد آید دهد خدای راست گویار دارد است

بَصِيدَهُمْ وَيَعْلَبُ اِمْلَافَتِيْنَ اَنْتَ

آفتن شان و یا شکجه کند منافقات را اگر خواهد

اَوْ يُنَوِّبَ عَلَيْهِمْ اِنَّ اللَّهَ كَانَ

یا توبه توبه دهد بر ایستاد هر اینه خدای هست

عَفُوًّا رَحِيْمًا وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِي

آمرزگار و بخشاینده و باز گردانید خدای آنان را که

كَفَرُوا بِخَطْمِهِمْ لَمْ يَبَالُوْا خِيْلًا

که کافر شدند به خطمشان نه با خشمش



وَكَفَى اللَّهُ الْكَافِرِينَ  
وَكَفَى اللَّهُ الْكَافِرِينَ

وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا  
وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا

الَّذِينَ ظَاهَرُوا مِنْهُمْ أَهْلُ  
الَّذِينَ ظَاهَرُوا مِنْهُمْ أَهْلُ

الْكِتَابِ مِنْ صِيَادِهِمْ  
الْكِتَابِ مِنْ صِيَادِهِمْ

وَقَدْ فِي قُلُوبِهِمُ الْعَمَىٰ أَفْئِدَةً  
وَقَدْ فِي قُلُوبِهِمُ الْعَمَىٰ أَفْئِدَةً

تَقَاتَلَتْ وَقَاتَلَتْ فَأُصْرَبَتْ  
تَقَاتَلَتْ وَقَاتَلَتْ فَأُصْرَبَتْ

وَأُزْلِفَتْ وَأُزْلِفَتْ وَدِيرَتْ  
وَأُزْلِفَتْ وَأُزْلِفَتْ وَدِيرَتْ



وَأَمَّا لَهُمْ وَأَرْضًا لَمْ تَطْوُوهَا

وخواستهای ایشان و زمین را که نه زراعت کردید آنرا

ع

وَكُنَّا اللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و هستیم خدا بر هر چیزی توانا

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لَأُزْجِيَنَّكُمْ

ای پیغمبر ای بگو پیغمبر بگو من جفتان خود را

أَنْ كُنْتُمْ تُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا

اِنْ كُنْتُمْ

اگر هستید که می خواهید زندگی دنیا

فِي دُنْيَاهُمْ أَفْتَعَالَى أَمْتَعَكُمُ

و آری در دنیا بس بیاورد متعه دهتم آنان

صفت

أَسْرَجِكُمْ سُلَاحِمًا جَمِيلًا وَأَنْ

و آری من شما را زینت دهم زیاده

سؤال

كُنْتُمْ تُرِيدُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ

اگر می خواهید خدا را و پیغمبر او را



وَاللَّاتِ الْآخِذَةُ قَاتِلُ اللَّهِ

وسراچہ آن جھان بسوہا

أَعَدَّ لِلْمُحْسِنَاتِ مِنْكُمُ اجْرَاءً

امادہ کر مر نیکو کارانرا از شما مژدی

يَا نِسَاءَ النَّبِيِّ لَسَّيْتُمْ

ای زنان پیغمبر ہا بیاید

بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ

بکاری نشت بد تو بر تو لردہ شو

لَهُنَّ الْكُلُوبُ ضَوْفِيرَتٌ

مرا نرا کلاب مروی و سنجہ

وَ كَانَتْ تِلْكَ عَلَيَّ

وہست آنست

لِلَّهِ عِيسِيرٌ

خلدے عیسیر

للمحسنات

۶



مستوفى ممالك طوعا وكرها  
بجولته وواعظاته بالانوار  
صريح ما هلك من اهل الارض  
نازه ونه ازده ودهر كده  
من ارض ارض ارض ارض  
تولعوا في فتن بالله بعد ما سمعوا فانما اثمها  
على الذين يبدلون ان الله سمع علم  
الرحمن واورق قوسه من الامم  
خير ما سمع من اهل الارض  
ركاة من اهل الارض

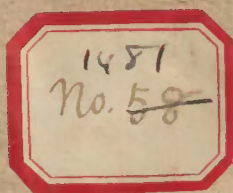


#60









1481  
No. ~~58~~